

موانع کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان

در نظام حقوقی ایران؛ مطالعه کیفی

حسین محمدکوره‌پز،* محمد فرجیها** و محمد متین پارسا***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۶	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱۰	شماره صفحه: ۲۴۰-۲۰۹
-------------------	--------------------------	------------------------	---------------------

پس از تجربه‌های ناموفق پیشینی درباره انتقال نهادهای کیفرزدا - حبس‌زدا به سنت حقوقی - قضایی ایران، یکی از ابتدایی‌ترین پرسش‌ها درباره کاربست این نهادها آن است که چرا این نهادها شکست می‌خورند؟ همچنین، به جهت آنکه قضات نهاد اصلی بهره‌بردار آنها هستند، پرسش دیگر آن است که چرا با وجود استقرار قانونی، قضات به کاربست چنین نهادهایی تمایلی ندارند. به پرسش‌هایی از این دست نه تنها در خصوص مجازات خدمات عمومی رایگان؛ بلکه درباره سایر نهادهای جرم‌شناختی نیز کمتر به طور مستقل و کیفی پاسخ داده شده است. هدف نهایی از طرح این پرسش‌ها، شناسایی چالش‌هایی است که قضات در کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان با آن روبه‌رو خواهند بود. به این منظور، پژوهش حاضر می‌کوشد تا از گذر مطالعه کیفی با روش مصاحبه «گروه‌های تمرکزی» از ۱۲ قاضی صادرکننده مجازات خدمات عمومی رایگان بپرسد که: چه موانعی موجب می‌شود تا قضات گرایشی به کاربست چنین مجازاتی نداشته باشند. یافته‌های پژوهش پیش‌رو نشان می‌دهد حتی قضاتی که به اثر اصلاحی - درمانی مجازات خدمات عمومی رایگان باور دارند، اذعان می‌کنند که کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان در هر سه سطح تقنینی، قضایی و اجرایی با مانع مواجه است. گستره محدود جرائم مشمول خدمات عمومی رایگان، عدم پیش‌بینی سازوکارهای کارآمد به منظور همکاری دستگاه‌های قضایی و اجرایی، ابهام پیرامون نسخ یا عدم نسخ ماده (۳) قانون وصول... مصوب ۱۳۷۳ و سایر ابهام‌ها و کاستی‌های قانونی، از مهمترین موانع سطح تقنینی است. چنان‌که عدم آموزش قضات برای آشنایی فنی با ابعاد مختلف نهادهای جدید، آمارگرایی و ارزیابی عملکرد قضات در پرتو شاخص‌های کمی و نیز فرهنگ سازمانی حبس‌گرا از موانع قضایی؛ و عدم آگاهی و اعتماد عمومی و حتی نهادهای پذیرنده از موانع اجرایی کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان است.

کلیدواژه‌ها: خدمات عمومی رایگان؛ مطالعه کیفی؛ گروه تمرکزی؛ موانع تقنینی، قضایی و اجرایی

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)؛

Email: kourepaz.ut@gmail.com

Email: farajihay@modares.ac.ir

** دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس؛

*** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

Email: m_matinparsa@atu.ac.ir

مقدمه

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران، همگام با تحولات آموزه‌های مدرن کیفردهی؛ یعنی در راستای سیاست‌های مبتنی بر کیفرزدایی در وهله پیشینی و نیز راهبردهای زندان‌زدایی در وهله پسینی به ویژه حبس‌های کوتاه‌مدت، طیف وسیعی از نهادهای ارفاقی - تخفیفی یا به تعبیر دقیق‌تر نهادهای جرم‌شناختی را با «انتقال»^۱ از قوانین کیفری کشورهای پیشرو، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ گنجانده. بنابراین تقسیم‌بندی دقیق می‌توان نهادهایی را که در راستای سیاست کیفرزدایی عینیت یافته‌اند را ذیل «جایگزین‌های کیفر»^۲؛ مانند تعویق صدور حکم (مواد ۴۵-۴۰) و تعلیق مجازات (مواد ۵۵-۴۶) و نیز نهادهای زندان‌زدا را ذیل «جایگزین‌های زندان»^۳ - جایگزین‌های عام زندان نظیر آزادی مشروط (مواد ۶۲-۵۸) و نظام نیمه‌آزادی (ماده ۶۳) و جایگزین‌های خاص زندان (مواد ۸۷-۶۴) معرفی کرد.

اما حقوقی‌سازی یافته‌های جرم‌شناختی در قالب نهادهای قانونی کیفرزدا - زندان‌زدا، تنها بخشی از راه برای نیل به اهداف عالی آن است؛ زیرا تجربه‌های پیشین نشان می‌دهد کاربست چنین نهادهایی در نظام کیفری ایران به دلایل گوناگون محکوم به شکست خواهند بود. برای نمونه نتیجه بررسی آرای تعلیق در آمار دادگاه‌های اردبیل نشان می‌دهد که از مجموع ۱۶۶۴۴۸ هزار پرونده مختومه که تعداد ۷۷۰۰۷ فقره آنها مستعد صدور قرار تعلیق اجرای مجازات بوده است، تنها در ۴۱ پرونده قرار تعلیق اجرای مجازات صادر شده است (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۰: ۳۳۵).

در این راستا با توجه به اینکه اهمیت کنشگران قضایی در موفقیت یا شکست چنین نهادهایی انکارناپذیر بوده و همواره یکی از علت‌های اولیه شکست مجازات‌های اجتماعی، عدم گرایش قضات به کاربست چنین نهادهایی است؛ از این رو پژوهش حاضر با تمرکز بر مجازات خدمات عمومی رایگان به مثابه شاخص‌ترین گونه مجازات اجتماع‌محور، پرسش خود را به‌طور خاص چنین مطرح کرده است که: «موانع کاربست مجازات خدمات عمومی

1. [Policy] Transfer

2. Alternatives to Punishments

3. Alternatives to Imprisonment

رایگان در نظام حقوقی ایران کدام است؟» به بیانی دیگر «چه عواملی موجب می‌شود تا قضاتی که به اثر اصلاحی این مجازات‌ها باور دارند، کمتر چنین احکامی صادر کنند؟». زمانی پاسخ به این پرسش جدی‌تر می‌شود که بدانیم اگرچه طبق مواد (۶۹-۶۵) قانون مجازات اسلامی قضا در مواردی «ملزم» به اعطای مجازات‌های جایگزین زندان هستند؛ اما جرائمی که مشمول «اختیار» یا «اختیار مشروط» قضا در تعیین مجازات جایگزین حبس می‌شوند، کمتر از موارد الزامی آن نیست.^۱

هدف اولیه پژوهش حاضر، شناسایی چالش‌هایی است که کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان را با مانع روبه‌رو می‌کند. سپس در مقیاسی وسیع‌تر می‌کوشد موانعی که بر مسیر اثربخشی حداکثری نهادهای کیفری حبس‌زدای مشابه وجود دارد را آشکار کند و سرانجام راهکارهایی برای برون‌رفت از آن ارائه دهد.

با توجه به فقدان مطالعه مستقل پیشینی در این باره از یک سو و نیز با لحاظ شرایط حاکم بر دستگاه قضایی و جامعه آماری پژوهش (قضات) از سوی دیگر، از روش مصاحبه «گروه‌های تمرکزی/کانونی»^۲ به‌منابه مناسب‌ترین و کارآمدترین روش «پژوهش کیفی»^۳ برای پاسخ به پرسش‌های بالا استفاده شده است.

در این راستا، نوشتار حاضر در چهار گفتار سازمان‌دهی می‌شود. ابتدا بر پیشینه و بدنه دانشی پژوهش مروری انجام می‌شود. همچنین، با توجه به روش‌مندی پژوهش حاضر، لازم است تا گفتاری به بحث «روش‌شناسی» اختصاصی داده شود. سپس به اصلی‌ترین

۱. عناوین مجرمانه مشمول جایگزین حبس (اجباری و اختیاری) به شرح زیر است:

الف) جایگزین‌های حبس الزامی

الف-۱. جرائم عمدی تا سه ماه (۳۶ عنوان مجرمانه)؛

الف-۲. جرائم غیرعمدی تا دو سال حبس (۲۸ عنوان مجرمانه)؛

ب) جایگزین‌های حبس الزامی مشروط - ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس در جرائم عمدی (۱۲۴ عنوان مجرمانه)؛

پ) جایگزین‌های حبس اختیاری - بیش از دو سال حبس در جرائم غیرعمدی (۹ عنوان مجرمانه)؛

ت) جایگزین‌های حبس اختیاری مشروط - بیش از ۶ ماه تا یک سال حبس در جرائم عمدی (۱۰۹ عنوان

مجرمانه) (شاطری پور اصفهانی، ۱۳۹۷: ۳۶۰-۳۵۷).

2. Focus Groups

3. Qualitative Research

گفتار، یعنی «یافته‌ها» پرداخته خواهد شد. در این گفتار، تجربه‌های قضات کدگذاری و مقوله‌بندی شده و سپس مورد تحلیل قرار می‌گیرد. سرانجام در گفتار پایانی (جمع‌بندی و نتیجه‌گیری)، مهمترین چالش‌های کاربست نهاد مذکور ارزیابی شده و به نهادهای مداخله‌گر برای رفع آن اشاره می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

به‌طور کلی درباره پیشینه پژوهشی «مجازات‌های جایگزین حبس» باید اشاره داشت که با آغاز کاربست چنین مجازاتی به‌ویژه از ابتدای دهه نود میلادی در سطح جهان - نخستین بار در سوئیس و بلژیک بدون تصویب متن قانونی - مطالعه آنها وجه همت پژوهشگران گوناگون داخلی و خارجی قرار گرفته است.

در گستره آثاری که مجازات‌های جایگزین حبس را مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ نوشته‌هایی که بر «چالش‌ها یا موانع اجرای کاربست مجازات‌های جایگزین حبس» تمرکز دارند، ارتباط نزدیکی با موضوع پژوهش پیش‌رو دارد. از این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد اسدی (۱۳۹۶) با عنوان «آسیب‌شناسی اجرایی مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق ایران». این پژوهش با نگاهی آسیب‌شناسانه به اجرای مجازات‌های جایگزین حبس، به حالت‌ها یا رویدادهای انحرافی و عوارض این مجازات‌ها اشاره داشته و از گذر اسناد کتابخانه‌ای نظیر گفتگوهای مقامات قضایی در روزنامه‌ها و نیز مصاحبه با قضات دادگستری شهرستان کرمان، علل یا معایب ذاتی این مجازات‌ها شناسایی و تبیین گشته‌اند. سپس سازوکارهایی برای رفع آنها ارائه شده است.

- پولادمست سرابی‌نژاد (۱۳۹۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «خدمات عمومی رایگان در حقوق کیفری ایران» درصدد معرفی و تبیین مجازات خدمات عمومی رایگان برآمده و به‌اختصار به پیش‌شرط‌ها و بسترهای لازم اجرایی برای کاربست آن پرداخته است.

- پژوهش دیگری با عنوان «چالش‌های مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲» نوشته مقصودی مال‌امیری (۱۳۹۳) با توجه به زمان نگارش

آن، تنها قسمتی از اثر به چالش‌هایی نظیر کمبودهای دستگاه قضایی و مؤسسه‌های پذیرنده اختصاص پیدا کرده است.

اما از آثاری که به‌طور خاص به خدمات عمومی یا کار عام‌المنفعه پرداخته‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کرمی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی تطبیقی خدمات عام‌المنفعه به‌عنوان مجازات جایگزین حبس در حقوق ایران و فرانسه»، تلاش کرده است تا با مقارنه مقررهای حقوقی ایران و فرانسه درباره مجازات خدمات عمومی رایگان، این تأسیس حقوقی را معرفی کرده و نواقص احتمالی قوانین موضوعه ایران را شناسایی و پیشنهادهایی را برای راه‌های رفع آن موانع ارائه کند.

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد عطرزاده (۱۳۹۴) با عنوان «مجازات خدمات عمومی رایگان (جایگزین حبس) در حقوق کیفری ایران» بر موارد زیر تأکید داشته است: نخست؛ مفهوم و پیشینه این نهاد در حقوق ایران و سایر کشورها تبیین می‌شود. همچنین مطرح می‌شود که موفقیت اجرای مجازات خدمات عمومی رایگان تنها به صدور مجوز قانونی مشروط نیست؛ بلکه به بسترسازی و وجود ساختارها و سازوکارهای متعدد، فرهنگ‌سازی مناسب، میزان آمادگی جامعه و نهادهای پذیرنده، نظارت صحیح و حمایت دیگر نهادهای حقوقی و نیز مطالعه تجربه‌های کشورهای دیگر نیاز است که در این صورت، چشم‌انداز تازه‌ای را برای اصلاح محکومان و پیشگیری از جرم به ارمغان می‌آورد. در ادامه، به مقایسه مجازات‌های جایگزین با نهادهای مشابه پرداخته شده و نتیجه گرفته می‌شود که خدمات عمومی رایگان برخلاف مجازات تکمیلی و تبعی مشروط به اخذ رضایت محکوم‌علیه بوده و برخلاف اقدام‌های تأمینی و تربیتی، افزون بر شرط پیشین، شامل افراد با حالت خطرناک نمی‌شود. دوم؛ رابطه منطقی میان خدمات عمومی رایگان با خدمات عام‌المنفعه مذکور در بند «ب» ماده (۱) آیین‌نامه، مساوی است و نه عموم و خصوص مطلق که در دیگر کشورها رایج است. سوم؛ در صورت تخلف محکوم‌علیه در اجرای حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه مجازات حبس اجرا می‌شود. موضوع مورد بحث از منظر فقهی مشمول مجازات تعزیری (غیرمنصوص) بوده و یکی از مصادیق آن به حساب می‌آید. آنچه مشخص

است اینکه تنها قسمتی از این اثر به بسترهای مورد نیاز برای تحقق اهداف این واکنش کیفی آن هم با روش توصیفی - تحلیلی اختصاص داده شده است.

آنچه درباره دانش نظری آثار این حوزه به طور خلاصه قابل اشاره است اینکه: الف) در این منابع، پژوهش‌ها جنبه نظری داشته و نویسندگان تلاش کرده‌اند براساس داده‌های حقوقی - قضایی موجود شرایط و نتایج احتمالی را استنتاج کنند. ب) تقریباً در همه پژوهش‌های بالا شاخصه توصیفی بودن تسلط داشته و نویسندگان به بیان آنچه هست پرداخته‌اند و از «هست‌ها» به «بایدها» رسیده‌اند. ج) داده‌های تجربی استفاده شده در برخی از این پژوهش‌ها نیز حاصل فعالیت مستقیم پژوهشگر نبوده؛ بلکه در چارچوب مطالعه تطبیقی، آن داده‌ها را مطرح کرده‌اند.

شاید بتوان گفت دو اثری که به طور تنگاتنگ با پژوهش پیش‌رو ارتباط مستقیم‌تری دارد مقاله ناظرزاده کرمانی و امامی غفاری (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی روبه و نگرش قضات دادگاه‌های اطفال تهران به جایگزین‌های مجازات حبس» است. در این مقاله نویسندگان با بهره‌گیری از روش «مطالعه موردی»^۱ پژوهش خویش را سامان داده‌اند. مواردی همچون نظر قضات پیرامون جایگزین‌های حبس و فهم آنان از کارکردهای چنین نهادی و نیز موارد کاربرد آن از مهمترین مسائلی است که در این پژوهش به آن پرداخته شده است.^۲ همچنین در پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمدیان پهنوار (۱۳۹۶) با عنوان «تحلیل کیفرشناختی خدمات عمومی رایگان در نظام حقوقی ایران»، در کنار مطالعه کتابخانه‌ای، از گذر مصاحبه ژرفایی با قضات و کارگزاران مؤسسه‌های پذیرنده پژوهش خویش را سامان داده است. یافته‌های پژوهش پیش‌گفته نشان می‌دهد که با افزایش دامنه جرائم مشمول خدمات عمومی رایگان (تقنینی) و آموزش دادرسان و تعدیل فرهنگ سازمانی آمارگرا (قضایی) می‌توان شاهد کارآمدی هرچه بیشتر آن نهاد بود.

1. Case Study

۲. این مقاله که مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد زینب امامی غفاری است، در فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۵، ۱۳۹۳، ص ۱۸۰-۱۵۷ چاپ شده است.

۲. روش پژوهش

بنا به تعریف پاول (۲۱۱:۱۳۷۹) «در صورتی که اطلاعات موجود در یک زمینه خاص چنان اندک باشد که حتی تشخیص اینکه نادانسته‌ها کدام‌اند خود مسئله‌ساز باشد، باید از رویکرد طبیعت‌گرایانه و روش‌های کیفی‌تر بهره جست». از این رو، با توجه به فقدان داده‌های پیشینی حاصل از دیگر پژوهش‌ها، نوشتار حاضر برپایه روش تحقیق کیفی استوار شده است. شیوه‌های تحقیق کیفی متنوع‌اند و ابزارهای گوناگونی نیز برای گردآوری داده‌ها وجود دارد که یکی از آنها مصاحبه گروه‌های تمرکزی است.

۲-۱. درآمدی بر گروه تمرکزی؛ مفهوم و شیوه اجرا

یکی از روش‌های گردآوری داده‌ها در پژوهش‌های کیفی، گروه‌های تمرکزی است. گروه‌های تمرکزی، جلسه‌های سازمان‌دهی شده‌ای هستند که گروهی از افراد انتخاب می‌شوند که بتوان به نظر آنان به‌عنوان کانون بحث موضوعی تمرکز کرد (Barbour and Morgan, 2017: 285). سپس از گذر مصاحبه گروهی، این افراد تجربه‌های خود را بازنمایی می‌کنند. روش گروه تمرکزی، جلسات گفتگو و تبادل نظر مشترک با حضور افراد واجد تخصص یا تجربه درباره یک موضوع است و با محوریت یک «میانجی / تسهیل‌گر» تشکیل می‌شود (ازکیا، احمدرش و پارتازیان، ۱۳۹۱: ۷۹۵). در این جلسات با تعیین یک موضوع خاص به‌عنوان محور گفتگو، میانجی / مدیر جلسه تمام تلاش خویش را برای ایجاد یک فضای تعاملی در میان شرکت‌کنندگان و استخراج برآیند دیدگاه آنها درباره موضوع مورد بحث به‌کار می‌گیرد. هرکدام از اعضا در یک فضای گفتگوی آرمانی، فارغ از فشارها و عوامل تحریف‌گر و محدودساز بیرونی، دیدگاه یا تجارب خویش را بیان می‌کنند (Breen, 2007: 469). بنابراین، بسیاری از ایده‌ها و عقایدی که فرد از بازگو کردن آن در حضور دیگران احتراز می‌ورزد، فرصت ابراز در فضای تعاملی ایجاد شده از سوی میانجی را می‌یابد. افزون بر این، فضای تعاملی گروه کانونی فرصت مناسبی را برای بازخوردگیری و پالایش دیدگاه‌ها در اختیار شرکت‌کنندگان در بحث قرار می‌دهد (Hegde, 2015: 142).

به همین دلیل در گروه‌های تمرکزی از «سؤال‌های نیمه‌ساختاریافته و پایان باز»^۱ استفاده می‌شود (صانعی، ۱۳۸۸: ۹۵).

البته روش گروه کانونی به‌رغم ظاهر ساده و روان، پیچیدگی‌هایی دارد که می‌توان به مواردی چون: عدم مشارکت در بحث، تبدیل مباحثه گروهی به مجادله و مناظره‌های دونفره، بیان گزارش عملکرد سازمان وابسته، دور شدن از اصل موضوع، دلخوری‌ها و نگرانی‌ها، عدم ابراز اندیشه و نظر واقعی و نیز احتیاط در سخن گفتن از سوی شرکت‌کنندگان اشاره کرد (Parker and Tritter, 2007: 30). در این میان، حساسیت بحث می‌تواند بر پیچیدگی‌های رفتاری - گفتاری شرکت‌کنندگان بیافزاید (کرم‌اللهی و آقاسی، ۱۳۹۱: ۱۴۷). با توجه به ویژگی‌های مطرح شده می‌توان مدعی شد که گروه‌های تمرکزی مناسب‌ترین ابزار گردآوری داده درخصوص پژوهش حاضر است؛ زیرا از گذر آن می‌توان از نظر و تجربه‌های افرادی بهره‌مند شد که کنشگری فعالانه‌ای در صدور مجازات خدمات عمومی رایگان دارند، و داده‌هایی به‌دست آورد که با مطالعات نظری به‌دست نخواهد آمد.

۲-۲. راهبرد پژوهش

برای استفاده از ابزار گروه تمرکزی ابتدا باید سه عامل مهم مشخص شود. در گام نخست، محورهای کلی مدنظر که در جریان گروه‌های تمرکزی مطرح می‌شود، تعیین و سپس با توجه به عامل قبلی، شرکت‌کنندگان (نمونه پژوهش) و سرانجام تعداد گروه‌های تمرکزی مشخص می‌شود.^۲ در این راستا برای تعیین محورها و افرادی که مناسب شرکت در این پژوهش هستند، از طریق نامه‌نگاری با دادگستری استان‌ها درخواست شد که همه آرای

1. Structured, Open Ended Interview Question

۲. تعداد شرکت‌کننده مناسب برای این گروه‌ها را بین ۴ تا ۸ و همچنین ۶ تا ۱۲ نفر دانسته‌اند. افزون بر این، به‌منظور کسب درک بهتری از مسئله مورد بررسی، باید از چندین گروه تمرکزی بهره برد. به دیگر سخن، تمرکز بر تنها یک گروه تمرکزی ممکن است باعث تولید نتایجی شود که دارای سوءگیری باشد. بنابراین، استفاده از چندین گروه تمرکزی می‌تواند بر عمق داده‌های گردآوری شده بیافزاید. به این منظور پیشنهاد می‌شود حداقل سه گروه تمرکزی در فرایند گردآوری داده‌های پژوهشی دخیل شوند (قربانی، ۱۳۹۳: ۴۴)، اما با توجه به دشواری بهره‌گیری از قضاات و محدودیت‌های موجود سازمانی، به‌ناچار این پژوهش با یک گروه تمرکزی و با تعداد بیشتری شرکت‌کننده برگزار شد.

جایگزین حبس صادر شده (با تأکید بر خدمات عمومی رایگان) را به معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه ارسال کنند.

نتیجه آنکه ۲۰۰ رأی حاوی ضمانت اجرای خدمات عمومی رایگان از سراسر کشور گردآوری شد. این آرا ابتدا پالایش و سپس مورد ارزیابی قرار گرفت. بدین شرح که برخی آرا به دلایل گوناگون از موضوع مورد نظر خارج و فاقد شرایط ارزیابی بودند. ۱۵۰ رأی برگزیده مورد ارزیابی نهایی قرار گرفت. سرانجام از گذر تحلیل محتوای آنها، تلاش شد محورهای بحث برای گروه تمرکزی شکل یابد که نتیجه آن طرح پرسش در چهار محور کلی زیر بود:

الف) «گستره و قلمرو اعمال مجازات‌های جایگزین حبس»،

ب) «شیوه‌های اجرای مجازات جایگزین حبس در موارد اختیاری و اجباری»،

ج) «چرایی استفاده محدود قضات از مجازات خدمات عمومی رایگان»،

د) «وضعیت نهادهای پذیرنده و چگونگی فرایند نظارت بر محکوم».

بالحاظ کیفیت آرای^۱ صادره از سوی هر قاضی، ۳۶ قاضی گزینش شدند که از این بین ۱۹ قاضی برای برگزاری گروه تمرکزی انتخاب (نمونه‌گیری هدفمند) و دعوت شدند. این ۱۹ قاضی از ۱۷ استان کشور بودند که سرانجام ۱۲ نفر از این افراد جهت شرکت در جلسه مورد نظر اعلام آمادگی کردند. در هنگام برگزاری گروه تمرکزی، هشت نفر از آنها قاضی دادگاه کیفری دو، یک نفر رئیس دادگستری شهرستان، یک نفر دادرس شعبه تجدیدنظر استان، یک نفر دادرس شعبه اول کیفری (ویژه اطفال) و یک نفر دادرس دادگاه انقلاب بوده‌اند. همه مشارکت‌کنندگان در مقطع تحصیلات تکمیلی فقه و حقوق فارغ‌التحصیل و یا در حال تحصیل بودند (۶ دکتری و ۶ کارشناسی ارشد). همچنین، همه آرا بعد از اجرایی شدن ماده (۷۹) قانون مجازات اسلامی صادر شده است و نیز قضات با سابقه‌های قضایی گوناگون به این مجازات رأی داده‌اند.

۱. کیفیت آرا براساس معیارهایی مانند «مستدل و موجه بودن رأی»، «تناسب رأی با نوع جرم ارتكابی»، «تناسب رأی با ویژگی‌های شخصیتی مجرم»، «احتمال تأثیر رأی در بازپروسی مجرم»، «ابتکاری بودن رأی»، «قابلیت اجرای رأی و امکان نظارت بر آن» و «رعایت آیین نگارش ادبی در انشای رأی»، سنجیده شده است.

۲-۳. گردآوری داده‌ها

تسهیل‌گر و همکاران پس از تشریح قواعد پایه‌ای گروه تمرکزی، به طرح محورهای تعیین شده پرداختند. به این ترتیب، با بیان هر محور هریک از شرکت‌کنندگان به طور داوطلبانه به طرح نظر و تجربه‌های خویش در حدود ۳ الی ۴ دقیقه اقدام کردند. در این بین شرکت‌کنندگان این امکان را داشتند که با بیان هر نظر، عقیده خویش را تکمیل و یا نظر/ تجربه دیگری را رد کنند. سرانجام، فایل صوتی جلسه مذکور برای تحلیل پیاده‌سازی شد که در گفتار بعدی به آن پرداخته می‌شود.

۲-۴. اعتبار و پایایی

«اعتبار و پایایی»^۱ دو عاملی هستند که برای ارزیابی کیفیت مطالعه و نتایج پژوهش‌های کیفی از آن استفاده می‌شود (ازکیا، احمدرش و پارتازیان، ۱۳۹۱: ۲۸۴). برای آنکه بتوان به یافته‌های هر پژوهش کیفی اعتماد کرد، باید با شاخص‌های تأییدپذیری، انتقال‌پذیری و غیره، آن را مورد قضاوت قرار داد (همان: ۲۸۵). بر این اساس در پژوهش‌های کیفی تلاش می‌شود تا با کاربرست روش‌هایی نظیر کنترل داده‌ها با اعضا و ارائه مجدد داده‌ها و تفاسیر به مصاحبه‌شوندگان، امکان قضاوت در مورد انتقال‌پذیری یافته‌ها را افزایش داد. افزون بر این، کنترل بیرونی از گذر بررسی بازخورد سایر پژوهشگران و سرانجام تسلط پژوهشگر بر میدان تحقیق و عدم پیش‌داوری از روش‌هایی است که اعتبار و پایایی تحقیق را افزایش می‌دهد (عباس‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۴). در این پژوهش نیز، سعی شده قابلیت اعتماد یافته‌ها بر اساس روش «سیلورمن» افزایش یابد؛ به طوری که در گام اول ارزیابی کلی یافته‌ها از طریق کنترل و اعتباریابی اعضا و مشارکت‌کنندگان انجام شده و در گام دوم به منظور بررسی و تأیید کدهای استخراج شده به متخصصان مراجعه شده و سرانجام برای افزایش اعتبار تحقیق و کاهش شائبه تفسیرهای شخصی، در بخش یافته‌ها به نقل قول‌ها استناد شده است (میرحسینی و لاریجانی، ۱۳۹۷: ۵۹).

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در گروه تمرکزی

مشارکت‌کننده	استان محل خدمت	شعبه محل خدمت	سابقه قضایی	تحصیلات	تاریخ اولین رأی به مجازات خدمات عمومی رایگان
۱	آذربایجان شرقی	دادگاه کیفری دو	۳ سال	کارشناسی ارشد حقوق خصوصی	۱۳۹۶
۲	اردبیل	دادگاه انقلاب	۱۸ سال	دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی	۱۳۹۳
۳	خراسان جنوبی	رئیس دادگستری شهرستان	۸ سال	دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی	۱۳۹۳
۴	چهارمحال و بختیاری	دادگاه کیفری دو	۷ سال	کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و سطح سوم حوزه	۱۳۹۵
۵	کهگیلویه و بویراحمد	دادگاه تجدیدنظر	۱۹ سال	کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق	۱۳۹۵
۶	لرستان	دادگاه کیفری دو	۲ سال	کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان	۱۳۹۷
۷	خراسان رضوی	دادگاه کیفری دو	۵ سال	دکتری فقه و مبانی حقوق	۱۳۹۶
۸	تهران	دادگاه کیفری دو	۱۴ سال	دکتری فقه و مبانی حقوق	۱۳۹۳
۹	کرمان	دادگاه کیفری دو	۱۳ سال	کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی	۱۳۹۶
۱۰	کرمانشاه	دادگاه کیفری یک (ویژه نوجوانان)	۲۰ سال	دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی	۱۳۹۴
۱۱	سیستان و بلوچستان	دادگاه کیفری دو	۷ سال	دانشجوی دکتری حقوق خصوصی	۱۳۹۶
۱۲	گلستان	دادگاه کیفری دو	۶ سال	کارشناسی ارشد حقوق خصوصی	۱۳۹۵

۳. یافته‌ها

مجازات خدمات عمومی رایگان به عنوان بارزترین نمونه کیفرهای اجتماع‌محور در ادبیات حقوقی ایران، ضمانت اجرایی است که وصف عمده آن اجتماعی بودن است و برخلاف سایر مجازات‌ها که وصف انتقامی - کفاره‌ای آنها غالب است، کارکرد آن تأمین منافع اجتماعی است (محمدیان پهنوار، ۱۳۹۶: ۲). بنابراین، کاربست صحیح و مؤثر چنین ضمانت‌اجرایی - نسبت به سایر مجازات‌ها - ابعاد پیچیده‌تری دارد و نیازمند اقدام‌های گسترده در خارج از نظام عدالت کیفری و همکاری پیوسته و مناسب بین بخش‌های گوناگون قضایی - اجرایی است.

بر همین اساس و با در نظر گرفتن پاسخ‌های ارائه شده از سوی شرکت‌کنندگان در گروه تمرکزی، می‌توان مدعی شد کاربرد مجازات خدمات عمومی رایگان در ایران، در سه حوزه تقنینی، قضایی و اجرایی با «مانع» روبه‌رو است.

۳-۱. موانع تقنینی

آشکار است که اجرای مناسب هر نهاد حقوقی مستلزم پیش‌بینی قوانین صریح، روشن، منطقی و البته نامتعارض با دیگر مقرره‌های قانونی است. در حال حاضر مواد (۶۴) تا (۸۲) و ماده (۸۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌عنوان قواعد عمومی مجازات‌های جایگزین حبس و ماده (۸۴) این قانون به‌همراه آیین‌نامه اجرایی ماده (۷۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به‌عنوان مستندات خاص خدمات عمومی رایگان پیش‌بینی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مقرره‌های ذکر شده ابهام و نواقصی دارد که می‌تواند مانع از اجرا و تحقق اهداف چنین نهادی شود.

۳-۱-۱. گستره محدود جرائم مشمول مجازات خدمات عمومی رایگان

قانونگذار محدوده کاربرد مجازات خدمات عمومی رایگان را در سه سطح تا سه ماه برای جرائم عمدی و تا دو سال پیرامون جرائم غیرعمدی (الزامی)، بیش از سه ماه تا ۶ ماه (الزامی مشروط) و بیش از ۶ ماه تا یک سال درباره جرائم عمدی و بیش از دو سال در مورد جرائم غیرعمدی (اختیاری) پیش‌بینی کرده است. از مقایسه گستره معین شده در این قانون با لایحه «مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» مشخص می‌شود که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، امکان کاربرد مجازات خدمات عمومی به نیمی از محدوده مشخص شده در لایحه کاهش یافته است. در حال حاضر عناوین مجرمانه‌ای مشمول مجازات‌های جایگزین حبس شده‌اند که از یک سو تعداد آنها اندک است و از سوی دیگر جرائم سبکی هستند که احتمال ارتکاب یا به عبارت بهتر، کشف آنها بسیار پایین است (اسدی، ۱۳۹۶: ۵۶).

یافته‌های پژوهش پیش‌رو نیز بیانگر توافق قضات بر محدود بودن گستره در نظر گرفته شده از سوی قانونگذار است. در این باره مشارکت‌کننده شماره ۱ بیان کرد: «وقتی ما به مقررات فصل مجازات‌های جایگزین حبس قانون مجازات دقت می‌کنیم، حداکثر مجازات قانونی که می‌توانیم برای آن جایگزین حبس استفاده کنیم، یک سال حبس است. در حالی که اگر به جرائم و مجازات‌هایی که برای جرائم تعیین شده دقت کنیم، در قسمت تعزیرات و قوانین دیگر، قانونگذار می‌توانست این محدوده را وسعت دهد. جرائم کم‌اهمیت‌تر و مجرمینی هستند که از جانب آنها جامعه خطری احساس نمی‌کند، لزومی برای سلب آزادی آنها نیست و قانونگذار می‌توانست این محدوده را وسعت دهد. مثلاً جرم تهدید ساده، قانون برای آن تا دو سال حبس تعیین کرده است.^۱ در حالی که برای یک تهدید ساده می‌توانستیم جایگزین حبس بدهیم و یا قطع درختان مشمول قانون حفظ فضای سبز شهری را تا سه سال حبس برایش تعیین کرده‌ایم،^۲ در حالی که می‌توانستیم جایگزین حبس بدهیم و متهمی که دو درخت قطع کرده است را محکوم کنیم بیست درخت بکارد... حداقل جرائم تا درجه شش را می‌توانست شامل شود».

همچنین مشارکت‌کننده شماره ۴ بر این باور است که مقررات کنونی به دلیل محدود بودن گستره جرائم مشمول مجازات خدمات عمومی رایگان، تأثیر چندانی بر کاهش جمعیت زندان نخواهد داشت: «... هر چند اسم این قانون جایگزین حبس هست ولی عملاً در کاهش جمعیت کیفری ما تأثیر چندانی نداشته است؛ چون شمول این را قانونگذار در محدوده بسیار کمی قرار داده است».

مشارکت‌کننده شماره ۲ با اشاره به اینکه مرتکبان جرائم مواد مخدر عمده جمعیت کیفری زندان را تشکیل داده و با توجه به اینکه این افراد در بیشتر موارد به شلاق محکوم می‌شوند، شرط عدم محکومیت قطعی به شلاق تعزیری مقرر در بند «الف» ماده (۶۶) و ماده (۶۷) قانون مجازات اسلامی مرادف با عدم شمول عمده مرتکبان جرائم سبک از محدوده جایگزین‌های حبس است:^۳

۱. نک. ماده (۶۶۹) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات).

۲. نک. ماده (۶) لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها.

۳. این دو مقرر بیان می‌دارد: ماده (۶۶) - «مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نودویک روز تا شش

«۵۰ تا ۶۰ درصد زندانیان ما افرادی هستند که به خاطر جرائم مواد مخدر وارد زندان می‌شوند. یکی از موارد که قاضی نباید جایگزین حبس بدهد این است که مرتکب محکومیت به جزای نقدی یا شلاق داشته باشد. اکثر افرادی که وارد نظام کیفری می‌شوند حداقل مرتکب استعمال مواد مخدر شده‌اند. کسی که استعمال مواد مخدر کرده حداقل شلاق دارد، موردی که به هیچ کیفیتی نمی‌توان برای آن جایگزین حبس تعیین کرد». افزون بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد که منطق حاکم بر نهادهای ارفاقی منطق مشخصی نیست و به نظر می‌رسد از اصل خاصی تبعیت نمی‌کند.

این موضوع از سوی مشارکت‌کننده شماره ۳ چنین بیان شد: «به نظر می‌رسد که قانونگذار دچار یک تناقض در قوانین جایگزین حبس شده و وقتی که در قانون مجازات نهادهایی داریم مانند تعویق صدور حکم و مانند تعلیق که اینها هر دو می‌توانند [به صورت] مراقبتی هم باشند. محدوده تعلیق از درجه سه تا هشت هست، اگر ما جرائم غیر عمد را هم برای جایگزین حبس داخل در شمول جایگزین حبس بگیریم نهایتاً تا درجه شش می‌شود؛ یعنی تعلیق را تا درجه سه می‌توانیم بدهیم و جایگزین حبس را تا درجه شش. اگر بخواهیم فردی را به یکی از دستورات مندرج در تعلیق مراقبتی محکوم کنیم می‌توانیم یا از ماده (۸۳) استفاده کنیم یا (۴۶) به بعد. حال چه تفاوتی وجود دارد که جایگزین حبس تا درجه شش باشد، تعلیق مراقبتی تا درجه سه؟ چه اشکالی داشت ما یک سارق را موظف کنیم که برود در کمیته امداد کار کند».

براساس داده‌های به دست آمده می‌توان مدعی شد که مقرره‌های کنونی حتی در برخی موارد به افزایش جمعیت کیفری زندان نیز منجر خواهد شد؛ زیرا بیش از قانون سال ۱۳۹۲،

ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:

الف) بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا شلاق تعزیری ...».

ماده (۶۷) - دادگاه می‌تواند مرتکبان جرائم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند، در صورت وجود شرایط ماده (۶۶) این قانون اعمال مجازات‌های جایگزین حبس ممنوع است.

قضات در مواردی تنها ملزم به تعیین جزای نقدی بوده و احتمال حبس در هیچ صورتی وجود نداشت؛ اما با تصویب قانون جدید و الزام ماده (۷۰) که مقرر می‌دارد: «دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت تعدد اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود»، امکان زندانی شدن مرتکب حتی در جرائم با مجازات تا سه ماه حبس نیز امکان پذیر است.

این امر در گفته‌های مشارکت‌کننده شماره ۵ این‌گونه منعکس شده است: «با توجه به اینکه برخی از این موارد قبلاً مشمول قانون وصول می‌شد و الزاماً باید جزای نقدی داده می‌شد، الان با قانون مجازات و بحث جایگزین‌های حبس، ما باید الزاماً در این چارچوب عمل کنیم. مثلاً آنجایی که مشمول بند «۱» ماده (۳) قانون وصول می‌شود، الزاماً باید حبس را تعیین کنیم، بعد مجازات جایگزین حبس بدهیم. در واقع نوعی تشدید کردیم موضوع را. اگر محکوم علیه مجازات جایگزین حبس را اجرا نکند باید حبس اعمال شود. در صورتی که قبلاً حبس اصلاً وجود نداشت».

۳-۱-۲. ابهام پیرامون نسخ یا عدم نسخ ماده (۳) قانون وصول

با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تکلیف برخی از قوانین با مفاد مشابه مشخص شد و قانونگذار به صراحت از نسخ آنها سخن گفت.^۱ با این حال، قانونگذار در خصوص ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳^۲ که بند «۱» آن به طور کامل با ماده (۶۵) تشابه مفادی دارد^۳ و بند «۲» آن با ماده (۶۶) از قانون مجازات اسلامی تداخل پیدا می‌کند،^۴ چنین تصمیمی اتخاذ نکرد.

۱. نک. ماده (۷۲۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۲. ماده (۳) قانون مذکور بیان می‌دارد: «... در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از نودویک روز حبس ... از این پس به جای حبس یا مجازات تعزیری حکم به جزای نقدی از هفتاد هزارویک (۷۰۰۱) ریال تا یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال صادر می‌شود. ۲. هرگاه حداکثر مجازات بیش از نودویک روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزارویک (۷۰۰۱) ریال تا سه میلیون (۳۰۰۰۰۰۰) ریال بدهد ...».

۳. ماده مذکور بیان می‌دارد: «مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند».

۴. صدر این ماده اشعار می‌دارد: «مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نودویک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند ...».

در نتیجه همواره میان حقوق دانان درباره نسخ ضمنی یا عدم نسخ آن اختلاف نظر بوده است (توجهی، ۱۳۹۶: ۱۱۵).

گروهی از حقوق دانان و قضات با استناد به همین عدم تصریح به نسخ از سوی قانونگذار - در حالی که در ارتباط با سایر مواد و قوانین اقدام به تصریح کرده است و نیز با استناد به خاص بودن قانون وصول و عدم نسخ آن با قانون عام - بر اجرایی بودن این قانون باور دارند؛ چنان که گروهی از حقوق دانان به نسخ ضمنی آن با مقرره‌های پیش گفته اشاره کرده‌اند.^۱ سرانجام به نظر می‌رسد با تصویب قانون بودجه سال ۱۳۹۶ می‌توان مدعی شد که تکلیف اعتبار قانون وصول نیز مشخص شده است؛ زیرا قانونگذار بر اساس بخش سیزدهم از ضمائم قانون بودجه سال ۱۳۹۶ کل کشور، مبالغ مندرج در ماده (۳) قانون وصول را اصلاح و با افزایش مقادیر جزای نقدی تعیین شده بر عدم نسخ آن صحه گذاشته است.

همین ابهام مورد اشاره مشارکت‌کننده شماره ۴ نیز بوده است. به این بیان که: «هر چند اسم مجازات‌ها، جایگزین حبس هست؛ اما عملاً قضات در مورد جرائمی که قبلاً حبس نمی‌دادند، الان در چارچوب عنوان جایگزین حبس قرار گرفته است. خیلی از موارد قبلاً مشمول قانون وصول بود و اتوماتیک وار حبس داده نمی‌شد. الان یکی از ابهام‌هایی که وجود دارد این است که آیا با تصویب قانون اخیر مجازات، قانون وصول نسخ شده یا نه؟». مشارکت‌کننده شماره ۸ نیز در اظهارات خود به این مسئله بدین شکل اشاره می‌کند: «ما الان با رویه‌های مختلفی روبه‌رو هستیم. شعبی می‌شناسم در همین استان تهران هم جایگزین حبس دادند از طریق ماده (۶۴) به بعد، هم بر اساس قانون وصول متهم را به جزای نقدی محکوم کرده‌اند. الان در دادگاه‌های تجدیدنظر دو رویه هست: بعضی‌ها هنوز قانون وصول را قبول دارند و بعضی از همکارها این قانون را رد می‌کنند».

بدین ترتیب، در حالی که برخی از محاکم با رعایت شرایط متعدد مقرر در مواد (۶۴) قانون مجازات اسلامی حکم به مجازات جایگزین حبس می‌دهند، شعبی دیگر بدون هیچ پیش شرطی و بر اساس ماده (۳) قانون وصول، حبس را به جزای نقدی تبدیل می‌کنند.

۱. جهت آگاهی درباره این تهافت آرانک. ابوالحسن شاکری و سید محمود حیدری، «تقابل مجازات جایگزین حبس با قانون وصول در حقوق ایران»، مجله مطالعات حقوقی، دوره ۹، ش ۳، ۱۳۹۶، ص ۱۳۲.

۳-۱-۳. عدم پیش‌بینی سازوکارهای کارآمد به منظور همکاری دستگاه‌های قضایی و اجرایی به موجب ماده (۵) آیین‌نامه اجرایی ماده (۷۹) قانون مجازات اسلامی: «نهادهای پذیرنده متقاضی به‌کارگیری محکومان در هر حوزه قضایی مکلفند ظرفیت پذیرش و نوع خدمت مورد نیاز خود را براساس خدمات مندرج در مواد (۲) و (۳) این آیین‌نامه و با ذکر نشانی محل به‌کارگیری محکوم، هر ۶ ماه یک‌بار با هماهنگی فرمانداران حوزه مربوط به بالاترین مقام دستگاه مربوط در سطح ملی ارائه و مقامات یادشده نیز اطلاعات به‌دست آمده را پس از تأیید، در اختیار دادستان کل کشور قرار دهند تا به‌نحو مقتضی به دادستان محل یا رئیس دادگاه بخش اعلام نمایند».

آشکار است که فرایند پیش‌بینی شده بسیار طولانی و فرسایشی است و در میدان عمل به عدم اجرای آن منجر خواهد شد؛ زیرا از یک سو ظرفیت نهادهای پذیرنده در مدت ۶ ماه ثابت باقی نمی‌ماند و نیازهای کنونی یک نهاد - از نظر تعداد و نوع خدمت - ممکن است تا چند ماه دیگر که زمان اعلام ظرفیت است، تغییر کند. چنان‌که، پس از اعلام ظرفیت و طی فرایند فوق نیز این امر محتمل است. افزون‌براین، عدم اطلاع دادگاه‌ها از ظرفیت باقی‌مانده نهادهای پذیرنده چالش دیگری در این باره است؛ زیرا پس از طی فرایند مقرر در ماده (۵)، ممکن است دادگاه‌های مختلف بدون اطلاع از آرای سایر شعب، رأی به خدمات عمومی صادر کنند، درحالی‌که پیش از آن ظرفیت نهاد مورد نظر براساس آرای صادر شده پیشین تکمیل شده باشد؛ مسئله‌ای که به‌ویژه در شهرهای بزرگی که شعب متعدد دارند، بغرنج‌تر است. این امر در بیان شرکت‌کنندگان نیز بازتاب یافته است.

به نظر مشارکت‌کننده شماره ۱۲: «فرایندی که در اینجا تعریف شده به نظر درست نیست. یعنی به فرمانداری اعلام کند، فرمانداری به وزارت اعلام کند، وزارت به دادستانی اعلام کند و دادستان کل به دادستان‌های محل اعلام کند. یک فرایند غیرمعقولی است. چه مشکلی داشت به مقامات محلی واگذار می‌کردیم؛ یعنی به نظرم میاد که آیین‌نامه باید تغییر پیدا کند. باید به مقامات محلی واگذار کنیم. مثلاً دادستان یا یکی از معاونینش بیاید با نهادهای پذیرنده جلسه بگذارند، تمرکززدایی بشود».

همین نظر را مشارکت‌کننده شماره ۹ نیز تأیید کرد: «... در ارتباط با نهادهای پذیرنده،

دوستان فرمودند این فرایند اعلام ظرفیت طولانی است. به نظر من یا این ماده (۵) باید اصلاح شده و موکول شود به مقام‌های محلی و نه در سطح ملی و یکی دیگر اینکه یک رابط وجود داشته باشد که بتواند این مسائل را در سطح ملی پیگیری کند».

شرکت‌کننده شماره ۷ نیز بر این باور است: «یکی از دلایل عدم گرایش قضات به صدور حکم خدمات عمومی رایگان] شاید عدم اطلاع قضات از ظرفیت پذیرش هریک از نهادهای پذیرنده و نوع خدمات مورد نیاز آنهاست. قضات ما اطلاع دقیقی از ظرفیت پذیرش هریک از نهادهای پذیرنده و نوع خدمات مورد نیازشان ندارند».

همچنین، در صورتی که طبق فرایند مقرر در ماده (۵) آیین‌نامه، اعلام ظرفیت از سوی نهادهای پذیرنده انجام گیرد، اطلاع از ظرفیت باقی‌مانده در هر نهاد پذیرنده امکان‌پذیر نیست.

بنا به گفته شرکت‌کننده شماره ۸: «با توجه به گستردگی تهران مثلاً سازمان فنی و حرفه‌ای مشخصاً، ما گفتیم اگر به تمام استان تهران ابلاغ کنیم، ۳۰ تا حوزه قضایی به جز تهران باید ابلاغ شود. حالا اگر همه مثلاً بند «الف» را حکم دادند، یکدفعه ما هزار محکوم داشتیم. ظرفیت گنجایش آن نهاد ۵۰ نفر هست. یک سامانه هم نداریم که از طریق آن به اطلاع همکاران برسانیم که این نهاد ظرفیتش پُر شده و دیگر از امروز به این خدمات محکوم نکنید».

۴-۱-۳. سایر ابهام‌ها و کاستی‌های قانونی

علاوه بر مواردی که در بالا اشاره شد، دیگر مواد فصل جایگزین‌های حبس نیز در مواردی با برخی مواد از قانون مجازات اسلامی و گاه با موادی از قانون آیین دادرسی کیفری تعارض دارد و از این جهت ابهام‌هایی را برای قاضی ایجاد می‌کند. برای نمونه از داده‌های گروه تمرکزی می‌توان چنین برداشت کرد که میان منطوق ماده (۸۴) قانون مجازات اسلامی و ماده (۳۷۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (با اصلاحات ۱۳۹۴)، تعارض ظاهری وجود دارد؛ زیرا به موجب ماده (۸۴) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «خدمات عمومی رایگان خدمتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین ... اجرا می‌گردد» و

ماده (۳۷۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ چنین مقرر می‌کند: «پیش از امضای دادنامه، اعلام مفاد ... آن ممنوع است ...».

این مطلب در گفته‌های مشارکت‌کنندگان ۹ و ۱۱ به ترتیب بدین شکل بیان شده است: «... نکته‌ای که بنده ابهام داشتم، بحث ماده (۸۴) است. وقتی که متهم در جلسه دادرسی حضور دارد و مورد بازجویی قرار می‌گیرد، اگر به ایشان بگوییم که قرار هست ما به شما این حکم [مجازات خدمات عمومی] را بدهیم، این برای خود قاضی تخلف است! اینجا کلام مقنن دچار تعارض است. این تعارض چطور حل می‌شود؟».

مشارکت‌کننده شماره ۱۱ این موضوع را به این نحو تکمیل کرده است: «... در تأیید فرمایش همکاران محترم [باید عرض کنم] درخصوص شیوه اخذ رضایت محکوم، ما در استان یک فرمی را تهیه کردیم که محکومینی که می‌خواهند از این ظرفیت قانونی مثل خدمات عمومی رایگان استفاده بکنند، آن فرم را امضا می‌کنند ... بعد از جلسه دادگاه، آن فرم در اختیارشان گذاشته می‌شود و فرم را پر می‌کنند. اما ایرادی که دوستان فرمودند به قوت خودش باقی هست».

از دیگر نارسایی‌های قانونی می‌توان به جمع الزام به اخذ رضایت محکوم و رسیدگی غیابی اشاره کرد.^۱ همچنین، عدم مشخص بودن وضعیت جبران خسارت از محکوم در صورتی که وی در حین خدمت عمومی رایگان آسیبی متحمل شود، از ابهام‌های آیین‌نامه ماده (۷۹) است.

این موارد از سوی مشارکت‌کننده شماره ۱۱ چنین بیان شد: «یکی از چالش‌هایی که همکاران اشاره نکردند [آن است که] رضایت محکوم علیه در ماده (۸۴)؛ یعنی رسیدگی حضوری. ما در رسیدگی‌های غیابی مشکل داریم؛ یعنی ما از یک طرف الزام داریم که جایگزین حبس بدهیم و از طرف دیگر با توجه به اینکه رضایت محکوم لازم است، قادر به تعیین این مجازات نیستیم. در همین بحث مقام صدور حکم؛ اگر فرضاً وکیل داشت، بحث

۱. ماده (۴۰۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیرامون موارد صدور رأی غیابی اشعار می‌دارد: «در تمام جرائم، به استثنای جرائمی که فقط جنبه حق‌اللهی دارند، هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشد، دادگاه پس از رسیدگی، رأی غیابی صادر می‌کند...».

اختیارات وکیل به چه نحو هست؟ ما دو نمونه داشتیم که وکیل آمده است. اینکه آیا در حوزه اختیارات وکیل هست که بخواهد خدمات عمومی قبول کند نسبت به موکل یا خیر. یکی هم بحث این است که در ماده (۱۳) آیین نامه اشاره کرده است به تمام قوانین مربوطه از جمله ضوابط کار زنان و نوجوانان مثل بیمه حتی^۱. ما یک مشکلی که داریم بعد از اینکه حکم صادر شد، در آن نهاد پذیرنده افراد بیمه نمی شوند».

۲-۳. موانع قضایی

تجربه اجرای نهادهای سنتی جایگزین حبس بیانگر آن بوده که واری مشکلات قانونی، قضات در محدوده اختیارات خود نیز تمایل چندانی به استفاده از نهادهای جایگزین نداشته‌اند. براساس یافته‌های حاصل از پژوهش گروه تمرکزی انجام گرفته، دلایل این عدم تمایل را می‌توان در موارد زیر جستجو کرد.

۱-۲-۳. عدم آموزش بهینه برای آشنایی فنی قضات با ابعاد مختلف نهادهای جدید

قانونگذار با وجود وارد کردن نهادهای جدید در ادبیات قانونی - قضایی ایران، تبیین بسیاری از ابعاد آن از جمله مفهوم «خدمات» و «رایگان» بودن را مغفول گذاشته و در نتیجه قضات برای استفاده از آن، گاه دچار سردرگمی خواهند شد. برای نمونه مشارکت‌کننده شماره ۶ یکی از دلایل عدم محکومیت به خدمات عمومی رایگان را ناآشنایی همکاران قضایی با سازوکارهای کاربردی آن بیان کرد.

۲-۲-۳. آمارگرایی و ارزیابی عملکرد قضات در پرتو شاخص‌های کمی

یافته‌های برآمده از گروه تمرکزی نشان می‌دهد که همسو با دیگر پژوهش‌های انجام گرفته، آمارگرایی حاکم بر دستگاه قضایی از موانع اصلی پیش‌روی قضات برای صدور مجازات

۱. ماده (۱۳) آیین‌نامه در این باره بیان می‌دارد: «اجرای خدمات عمومی رایگان باید به‌گونه‌ای باشد که تمامی قوانین و مقررات مربوط از جمله در خصوص شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت فنی، بهداشتی، ایمنی و ضوابط کارهای سخت و زیان‌آور رعایت شود».

خدمات عمومی رایگان است. به این بیان که تعیین خدمت عمومی رایگان با توجه به ضرورت لحاظ کردن عوامل گوناگون از جمله حرفه و تخصص احتمالی بزهدار، جرم ارتكابی، شرایط شغلی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و نیز هماهنگی با نهادهای پذیرنده، صرف زمان بسیاری نیازمند خواهد بود (محمدیان پهنوار، ۱۳۹۶: ۱۵۰). پیش‌نیازی که قضات به دلیل حجم بالای پرونده‌های مطروحه به شدت با کمبود آن روبه‌رو هستند (اسدی، ۱۳۹۶: ۶۹). این امر از سوی شرکت‌کننده شماره ۵ چنین مطرح شد: «رویه شده است که قضات حکم به حبس بدهند یا جزای نقدی. خدمات عمومی رایگان موضوع جدیدی است. با توجه به اینکه پرونده‌ها هم زیاد است، یک همکاری باید تأمل بکند، فکر کند چه خدمتی ارائه بدهد که این امر یک مانعی است. به عبارتی فرصت کافی برای همکاران در این خصوص ایجاد نشده است».

شرکت‌کننده شماره ۲ نیز بر این مطلب به بیان دیگری صحه گذاشت: «واقعاً کسی که به‌عنوان قاضی دادگاه می‌خواهد به جایگزین حبس حکم کند هم باید نوآوری خاص و هم وقت قابل توجهی داشته باشد. شما برای یک جرم ساده مثل رانندگی بدون گواهینامه، باید یک رأی صادر کنید. قضاتی که جایگزین صادر می‌کنند وقتی که می‌گذارند را مقایسه کنید با قضاتی که جزای نقدی یا حبس صادر می‌کنند. من فکر می‌کنم ظرف پنج دقیقه یک پرونده این‌چنینی جمع خواهد شد. در جایگزین این‌گونه نخواهد بود، چون برای این رأی باید فکر باشد، باید بحث سنخیت و شخصیت رعایت شود».

شرکت‌کننده شماره ۴ نیز معتقد است: «... قضات ما درگیر پرونده‌هایی هستند که هر روز به تعداد آنها افزوده می‌شود. پرونده‌ای که تکلیفش با پنج دقیقه می‌تواند روشن بشود و نیازی به گرفتن رضایت شاکی نیست، برای قاضی که می‌خواهد آخر ماه عملکرد اداری بدهد، صرفه ندارد [مجازات خدمات عمومی صادر کند]. یک موضوعی که باید در این حوزه قرار بگیرد این است که چند تا پرونده مختومه داشته‌ای و چند پرونده جایگزین حبس».

به عبارتی نظرهای مصاحبه‌شوندگان مؤید این امر است که سنجش عملکرد قضات تنها براساس معیارهای کمی بر مجازات مورد حکم اثرگذار است و افزون بر افزایش اشتباه‌های قضایی و کاهش دقت آنها، به عدم تمایل به نهادهای نوین منجر می‌شود (پورقهرمانی و نگهدار، ۱۳۹۷: ۲۵۲).

در صورتی که اگر تعداد آرای جایگزین حبس (به ویژه ضمانت اجرای جامعه محور) نیز در عملکرد کیفی مورد توجه قرار گیرد، قضات تمایل بیشتری به صدور چنین آرای خواهند داشت.

شرکت کننده شماره ۹ نیز در این باره می گوید: «خدمات عمومی رایگان موضوع جدیدی است. با توجه به اینکه پرونده ها زیاد است، یک همکاری باید تأمل بکند، فکر کند چه خدمتی ارائه بدهد که این امر یک مانعی است. به عبارتی فرصت کافی برای همکاران در این خصوص ایجاد نشده است».

۳-۲-۳. فرهنگ سازمانی حبس گرا

تردیدی نیست که مسئولان دستگاه قضایی در اشکال مختلف (دستورالعمل، سخنرانی و بخشنامه)، حبس زدایی را بارها مورد تأکید قرار داده اند؛ اما اینکه آیا در عمل، سازوکارهای لازم برای اعمال سیاست های حبس زدایی و در نتیجه کاهش جمعیت کیفری زندان وجود دارد و روح دستگاه قضایی حاکم با این سیاست سازگار است، محل پرسش قرار گرفت. نظرات مشارکت کنندگان حاکی از آن است که سیاست حبس زدایی در میدان عمل، با ضعفی آشکار مواجه است. گویی برای سیاستگذاران نظام قضایی، حبس زدایی در حد نظری مطلوب است و عملیاتی کردن آن چندان جذابیت ندارد (پورمحمی آبادی، بوستانی و قماش، ۱۳۹۷: ۴۵).

بنابر نظر مشارکت کننده شماره ۱۰: «... اگر قاضی بیاید به سمت جایگزین، گفته می شود یک قاضی ملایم است و قاضی ملایم در بعضی موارد به درد دستگاه قضایی نمی خورد. این امری است که باید بهش توجه کنیم. ما باید سیاست هایمان را مشخص کنیم».

نظر شرکت کننده شماره ۳ نیز در این باره قابل توجه است. به گفته ایشان: «بنده هم در شهرستان بزرگ کار کردم و هم شهرستان کوچک. خود بنده قاضی شهری بودم که مجازات جایگزین حبس اصلاً نمی توانستم بدهم، چون روبه روی من فردی به نام دادستان بود و مجبور بودم به سمت تعلیق بروم... ما در شهر کوچک معمولاً قاضی انحصاری بودیم، سخت بود کار کردن. مثلاً قاضی می خواست رأی بدهد تبعاتش را نگاه می کرد. متأسفانه سیستم های نظارتی ما هم این گونه برداشت می کردند که این قاضی عامداً به سمت

یکسری گرایش‌ها می‌رود. من نزدیک به ۲۰۰ پرونده تعویق صدور حکم دادم، تمام ۲۰۰ پرونده ازسوی دادستان تجدیدنظرخواهی شد».

ازآنچه اشاره شد می‌توان دریافت که به باور قضات رویکرد تنبیهی سخت‌گیرانه و به‌طور خاص حبس‌گرایی بردستگاه قضایی رویکرد غالب است (ناظرزاده کرمانی و امامی غفاری، ۱۳۹۳: ۱۷۴). این موضوع را می‌توان از گزارش شماره ۱۳۸۱/۶/۵-۴۳/۱۶/۸۵۷۸-سرپرست دفتر بازرسی سازمان زندان‌ها به روشنی دریافت. طی این گزارش که در پی بخشنامه‌های متعدد مبنی بر توصیه به عدم تعیین مجازات حبس صادر شد، دفتر سازمان زندان‌ها به رئیس قوه قضائیه گزارش می‌دهد که «اکثر قریب به اتفاق بخشنامه‌هایی که در موضوعات زندان و زندانی به مراجع قضایی ابلاغ فرموده‌اید، یا اساساً به اجرا نرسیده یا اجرای آن با کمبود و نقصان‌هایی صورت پذیرفته است» (کرمی، ۱۳۹۵: ۵۴).

در چنین وضعیتی، ورای نگرش شخصی قضات به نهادهای کیفری نوین، فرهنگ سازمانی حبس‌گرای حاکم بر دستگاه قضا به‌مثابه یک الگوی تصمیم‌گیری عمل کرده و در چارچوب آن قضات همواره بازخورد همکاران‌شان را نسبت به تصمیم‌های قضایی خود سنجیده و تا حد امکان از آن فاصله نمی‌گیرند (منصورآبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۰). نتیجه آنکه بسیاری از قضات برای خودداری از رویارویی با واکنش‌های ناخوشایند از جمله نقض مکرر آرا، به مجازات‌های جامعه‌محور حکم نداده یا به‌طور حداقلی از آن استفاده می‌کنند.

۳-۳. موانع اجرایی

نرخ پایین صدور مجازات خدمات عمومی رایگان و نیز اجرای ناکارآمد آن در صورت تعیین چنین ضمانت اجرایی، محدود به حوزه قانونگذاری و قضایی نبوده؛ بلکه در چارچوب قوانین موجود و حتی در صورتی که قاضی به کارایی و اثربخشی چنین واکنشی باور داشته باشد نیز عواملی بیرون از دستگاه قضایی مانع از در نظر گرفتن خدمت عمومی رایگان شده یا در صورت حکم دادن به آن، اجرای بهینه آن را با مشکل مواجه می‌کند. ورای نبود راهکاری مناسب برای تعامل مقام قضایی با نهادهای پذیرنده در راستای اعلام

ظرفیت و تخصص‌های مورد نیاز، عمده موانع اجرایی مربوط به ناآگاهی نهادهای پذیرنده درباره نحوه اجرای مجازات خدمات عمومی رایگان و بی‌اعتمادی مردم به گذراندن دوره محکومیت در بستر جامعه است.

۱-۳-۳. ناآگاهی نهادهای پذیرنده از نحوه اجرا

شاید با وجود تکلیف نهادهای پذیرنده به اعلام ظرفیت (ماده ۵) آیین‌نامه، دور از تصور باشد که با گذشت چند سال از تصویب قانون مجازات اسلامی و آیین‌نامه مذکور، دست‌کم این نهادها از ماهیت و مفهوم خدمات عمومی رایگان ناآگاه باشند. با این وجود، داده‌های گروه تمرکزی نشان می‌دهد که با گذشت این زمان نه تنها اطلاع‌رسانی سامان‌مندی صورت نگرفته؛ بلکه در برخی از حوزه‌های قضایی ابتکار عمل‌های ساختاری - قضایی قضاوت است که این کاستی‌ها را جبران کرده است.

در این خصوص مشارکت‌کننده شماره ۸ بیان داشت: «خب ما در استان اعلام کردیم که ظرفیت خدمات را اعلام کنید، آنها به ما نوشتند که این قانون را برای ما بفرستید ما ببینیم چی هست؛ یعنی عدم اطلاع یا عدم ابلاغ از سوی دولت...».

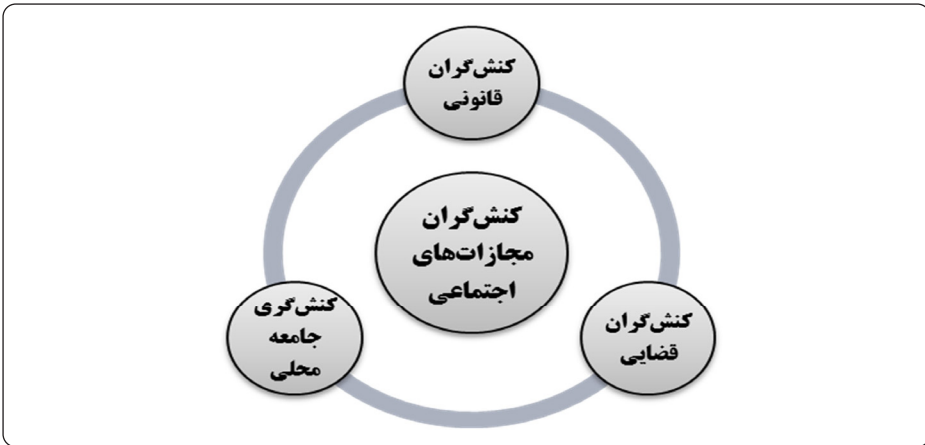
مشارکت‌کننده دیگری (شماره ۵) نیز بیان داشت: «ماده ۵) به نوعی نهادهای پذیرنده را نوشته است هم مکلف هستند هم اختیار داده است؛ وقتی می‌گوید باید ظرفیت پذیرش و خدماتشان را اعلام کنند، یک نهاد پذیرنده می‌گوید من اصلاً ظرفیت ندارم، درست هست بعدش گفته است، ... مجاز است اما عملاً نهادهای پذیرنده تمایلی به اعلام ظرفیت ندارند. ضمن اینکه ظرفیت هم اعلام می‌کنند خودشان هم نمی‌دانند چکار می‌خواهند انجام دهند. یک نمونه در حوزه محیط زیست داشتیم؛ نهاد پذیرنده می‌گفت شما محکوم را بفرستید برای ما بیاد کارهای نگهبانی را انجام بدهد!».

مشارکت‌کننده شماره ۷ به بُعدی دیگر از این مسئله اشاره کرد: «... یعنی محکومیت به خدمات داشتیم اما نهادی یا سازوکاری که اعلام کند ما حاضر هستیم این افراد را به‌کار بگیریم وجود نداشته است. حالا حرف این نهادها و سازمان‌ها این بود؛ می‌گویند ما در چارت سازمانی خودمان جایی نداریم برای اینها».

درخصوص بی‌اعتمادی نهادهای پذیرنده نیز نظر مشارکت‌کننده شماره ۳ قابل توجه است: «... نهادهای پذیرنده بی‌اعتماد هستند. خیلی‌ها می‌ترسند اگر محکوم بعداً بیاد بیمه و پاداش بخواهد ...، ما می‌گوییم رایگان هست و از قانون کار فقط ساعت کاریش مشمول آن قانون است».

بنابراین می‌توان گفت که مجازات خدمات عمومی رایگان به‌عنوان نمونه‌ای از مجازات‌های جامعه‌محور، تنها متکی به بازیگران دستگاه قضایی نبوده و نیازمند تعامل با کنشگران دیگری نیز است که یکی از مهمترین آنها نهادهای محلی خواهد بود. بنابراین، در صورت عدم آموزش و فرهنگ‌سازی صحیح، اگر مؤسسه‌های پذیرنده به مجازات‌های اجتماعی بی‌اعتماد یا با شیوه اجرای آن آشنایی نداشته باشند، کاربست آنها در عمل با مانع روبه‌رو می‌شود (پولادمست سرابی نژاد، ۱۳۹۶: ۷۷) و این امر حتی بر تمایل قضات به صدور چنین مجازات‌هایی تأثیر منفی خواهد گذاشت.

شکل ۱. کنشگران مجازات‌های اجتماعی



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۳-۳-۲. بی‌اعتمادی مردم به گذراندن دوره محکومیت در بستر جامعه

دیدگاه اعضای جامعه به مجازات خدمات عمومی رایگان و تصور آنها درباره محکوم و ماهیت

این احکام نیز بر کمیّت و کیفیت این احکام مؤثر خواهد بود. به این صورت که به نظر قضات گاه چنین ضمانت اجرایی موجب تشهیر مرتکب شده و می‌تواند نتایج زیان‌بارتری از حبس برای او به همراه داشته باشد. همچنین، درک نادرست اشخاص از چنین ضمانت اجرایی می‌تواند به سلب اعتماد از نظام عدالت کیفری منجر شود (مقصودی مال‌امیری، ۱۳۹۳: ۸۸). مشارکت‌کننده شماره ۱۳ درباره تأثیر جامعه محلی بر پذیرش خدمت عمومی این‌گونه بیان داشت: «... بعضی شهرستان‌ها که کوچک هست، جامعه خیلی مجازات خدمات عمومی رایگان را نمی‌پذیرد و به همین دلیل محکوم رضایت نمی‌دهد؛ یعنی حاضر است که برود زندان، اما مثلاً بنیاد توی شهر جارو بزند».

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان (شماره ۹) نیز به بحث تشهیر و ایجاد سوءظن نسبت به دستگاه قضا اشاره می‌کند. به نظر او: «... در محیط‌های کوچک خودش (خدمات عمومی) نوعی تشهیر هست. تشهیر خودش نوعی تشدید مجازات است. به همین دلیل کمتر استقبال می‌شود و معمولاً بیشتر تصور جامعه این است که می‌خواهند مجازات را فرمالیته کنند و می‌خواهند کمک شود یا اجرا نشود؛ یعنی خیلی استقبال نمی‌شود».

مشارکت‌کننده شماره ۴ نیز تجربه خود درباره نامتعارفی این ضمانت اجرا را این‌گونه مطرح کرد: «... اتفاقاً در رأی قید کردم که ایشان ۳ ماه یا ۶ ماه در خود دادگستری مشغول به فعالیت بشود. این رأی مقداری برای مردم عجیب بود ... از خود مرتکب رضایت گرفته بودیم؛ اما برای فرهنگ جامعه، پذیرش آن سخت بود. یعنی ایشان چطور می‌تواند از طرفی محکوم شود از سوی دادگستری و بخواهد در خود دادگستری هم فعالیت کند!».

اظهارنظرهای بالا مؤید این واقعیت است که در حال حاضر تمایل جامعه ما معطوف به کیفرگرایی و برخورد خشن با مجرمان است و همین امر عامل عدم تمایل قضات به اعمال کیفرهای جامعه‌محور بوده است (پورقهرمانی و نگهدار، ۱۳۹۷: ۲۴۹). به عبارت دیگر، مقبولیّت اجتماعی کیفر در بستر جامعه، در تمایل یا رویگردانی قضات در انتخاب نوع پاسخ‌های کیفری مؤثر است. به این ترتیب نتایج و یافته‌های حاصل از پژوهش پیش‌رو حاکی از آن است که کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان به عنوان مجازات جایگزین حبس در هر سه سطح تقنینی، قضایی و اجرایی با چالش‌هایی مواجه است.

جدول ۲. موانع کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان در نظام حقوقی ایران

موانع	گستره محدود جرائم مشمول خدمات عمومی رایگان
تقنینی	ابهام پیرامون نسخ یا عدم نسخ ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳
	عدم پیش‌بینی سازوکارهای کارآمد به منظور همکاری دستگاه‌های قضایی و اجرایی
	سایر ابهام‌ها و کاستی‌های قانونی
قضایی	عدم آشنایی فنی قضات با ابعاد مختلف نهادهای جدید
	آمارگرایی و ارزیابی عملکرد قضات در پرتو شاخص‌های کمی
	فرهنگ سازمانی حبس‌گرا
اجرایی	ناآگاهی نهادهای پذیرنده از نحوه اجرا
	بی‌اعتمادی مردم به گذراندن دوره محکومیت در بستر جامعه

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انتظار می‌رفت که قانونگذار با تدوین قانونی جامع و منسجم، بسترهای قضایی - اجرایی نهاد خدمات عمومی رایگان را نیز فراهم آورد؛ اما آنچه با گذشت چندین سال از اجرایی شدن این نهاد قابل برداشت است، اینکه در مسیر متفاوت از انتظار فوق قرار دارد. قانونگذار نه تنها مقدمات ایجاد بسترهای قضایی - اجرایی آن را فراهم نکرده است؛ بلکه خود این مقرردها نیز از وصف انسجام و جامعیت برخوردار نبوده و از کاستی‌های فراوانی رنج می‌برد. حاکم نبودن منطقی معین و یک‌دست بر همه نهادهای جرم‌شناختی از جمله مجازات‌های جایگزین حبس، شاید از کلی‌ترین موانع کاربست آن باشد. درخصوص مجازات خدمات عمومی رایگان به‌طور خاص نیز می‌توان گستره محدود جرائم مشمول خدمات عمومی رایگان، ابهام پیرامون نسخ یا عدم نسخ قانون وصول و عدم پیش‌بینی سازوکاری کارآمد برای تعامل بین نهادهای پذیرنده و دستگاه قضایی به‌عنوان اساسی‌ترین چالش‌های تقنینی اشاره کرد.

در بُعد قضایی نیز چالش‌هایی وجود داشته است که تا حدی بر تمایل قضات به صدور حکم خدمات عمومی رایگان تأثیر منفی داشته و در موارد محکومیت به خدمات عمومی،

کیفیت اجرای این نهاد را کاهش داده و حصول اهداف مدنظر را با تردید روبه‌رو می‌کند که مهمترین آنها عبارت است از: آمارگرایی قضایی و فرهنگ حبس‌گرایی حاکم بر دستگاه قضایی. همچنین، از مهمترین عوامل اثرگذار بر اجرای مناسب این ضمانت اجرا، می‌توان به ناآگاهی نهادهای پذیرنده نسبت به ماهیت جرم ارتكابی محکومان چنین مجازاتی و نیز مفهوم خدمات عمومی رایگان اشاره کرد که موجب بی‌اعتمادی به محکومان و در نتیجه عدم به‌کارگیری آنان می‌شود.

پس از آنکه چالش‌های سه‌گانه مرتبط با نهاد مجازات خدمات عمومی رایگان شناسایی شدند، نوبت آن است که راهکارهایی به منظور برطرف‌سازی آن موانع پیشنهاد شود؛ امری که خود مستلزم شناسایی نهادها و سازمان‌های مداخله‌گر مرتبط با هریک از این چالش‌هاست.

درباره چالش‌های تقنینی باید گفت هرچند قوه مقننه متولی قانونگذاری و اصلاح قوانین است؛ اما با توجه به اینکه قضات، کنشگران اصلی کاربست مجازات خدمات عمومی بوده و در مرحله صدور و پس از آن با چالش‌های کاربست آن آشنایی دارند و با دانش و تجربه قضایی خویش توان تحلیل حقوقی آن چالش‌ها را دارند، به نظر استفاده از مجرا و ابزار موجود در قوه قضائیه، بر سایر نهادها و سازمان‌ها اولویت داشته باشد. معاونت حقوقی قوه قضائیه یکی از محوری‌ترین معاونت‌های قوه قضائیه است که وظیفه تدوین لوایح قضایی براساس بند «۲» اصل (۱۵۸) قانون اساسی به‌عهده آن است. در این میان «اداره کل تدوین لوایح و مقررات» به‌عنوان اصلی‌ترین کانون تحقق اصل یادشده به‌شمار می‌رود. به‌این ترتیب، می‌توان انتظار داشت که اداره کل تدوین لوایح و مقررات معاونت حقوقی قوه قضائیه بتواند از گذر برگزاری نشست‌ها و جلسات با قضات، به‌خصوص قضاتی که تجربه صدور و اجرای چنین آرای را دارند، از تجربیات عینی آنها در راستای شناسایی چالش‌های تقنینی سود برده و سرانجام در راستای انجام وظایف خود، زمینه اصلاح و جبران کاستی‌های تقنینی مذکور را در قالب پیشنهاد اصلاح قانون یا نظر مشورتی فراهم آورد.

رفع چالش‌های قضایی کاربست مجازات خدمات عمومی که نیازمند آموزش و فرهنگ‌سازی رویکرد ترمیمی و تغییرنگاه نسبت به مجازات‌های جایگزین حبس و همچنین ارزیابی کارکرد قضات

بامعیارهایی مناسب‌تر- نه صرف پرونده‌های مختومه و ارزیابی عملکرد برپایه شاخص‌های کمی - است که در چارچوب وظایف معاونت راهبردی قوه قضائیه قابل پیگیری است.

پیش از سخن پیرامون نهادی که می‌تواند راهگشای چالش‌های اجرایی باشد، باید به مکاتبات انجام گرفته بین دادستانی کل کشور و هیئت دولت اشاره کرد. بدین بیان که دادستانی کل کشور در نامه شماره ۱۴۰/۹۴۱/۲/۳۸۴/۴۱ مورخ ۱۳۹۴/۵/۳۱ به هیئت دولت خواستار انجام تکلیف موضوع ماده (۵) آیین‌نامه؛ یعنی ارائه فهرست پذیرش و نوع خدمت مورد نیاز توسط دستگاه‌های پذیرنده شد. پیرو این نامه، معاون اول رئیس‌جمهور مراتب را برای اقدام لازم و اعلام نتیجه به دادستانی کل کشور، به وزارتخانه‌های مرتبط ارجاع کرد. نتیجه آنکه پس از گذشت سه سال و عدم حصول نتیجه، مجدداً دادستانی کل کشور در نامه شماره ۹۰۰/۱۹۶۰۳/۱۳۹۷/۱۴۰ مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۵ با اشاره به نامه قبلی در این باره، اقدام سریع را درخواست کرد که معاون رئیس‌جمهور، مراتب را دوباره به اعضای هیئت دولت ابلاغ کرد. جالب آنکه دادستانی کل در نامه خود برای انجام تکلیف قانونی مقرر مهلت یک‌ماهه معین کرده و متذکر شده بود: «هریک از دستگاه‌های ذی‌ربط از تکالیف قانونی خود امتناع نمایند، وفق مقررات به‌عنوان مستنکف از اجرای قانون، تحت تعقیب قضایی قرار می‌گیرند». با مرور مراتب نامه‌نگاری انجام شده مشخص می‌شود که درخواست دادستانی کل از هیئت دولت و ابلاغ هیئت دولت به وزارتخانه‌های مختلف، چاره‌ساز نخواهد بود؛ زیرا بر فرض ابلاغ موارد فوق به نهادهای ذی‌ربط، این سازمان‌ها بدون داشتن اطلاعات از ماهیت و شرایط خدمات عمومی رایگان و نیز محکومان آن، به اجرای مفاد ماده (۵) آیین‌نامه اقدام نخواهند کرد.

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که برخلاف سیاست‌های منعکس شده در اسناد مکتوب و مصاحبه‌های شفاهی کارگزاران عدالت کیفری که بر سیاست‌های کاهش جمعیت کیفری زندان و اصلاح و درمان مجرمان تأکید دارد؛ موانع تقنینی، قضایی و اجرایی پیش‌روی قضات به‌منظور صدور حکم به مجازات خدمات عمومی رایگان نشان می‌دهد که در سطح سازمانی - نهادی در قوه قضائیه، اهتمام جدی و کنشگرانه‌ای برای ایجاد بسترهای اجرای چنین مجازات‌هایی وجود ندارد.

در پایان باید اشاره کرد که اگرچه استفاده از روش «گروه‌های تمرکزی» بیش از سایر روش‌های کیفی پژوهشگران را برای نیل به اهداف پژوهشی خود کمک کرد؛ اما انجام پژوهش با استفاده از این ابزار نیز به مانند هر روش دیگری محدودیت‌هایی داشته است از جمله اینکه به دلیل چارچوب‌های سازمانی حاکم بر قوه قضائیه، امکان همکاری قضات طی چندین جلسه و در زمان‌های مختلف وجود نداشت. این محدودیت موجب عدم امکان برگزاری گروه‌های تمرکزی طی چند جلسه و با حضور شرکت‌کنندگان کمتر شد. یکی از آثار برگزاری جلسه با شرکت‌کننده‌های بیشتر، عدم امکان اختصاص وقت کافی به هر شرکت‌کننده و لزوم مدیریت بیشتر زمان ازسوی تسهیل‌گر بوده است. افزون بر این، به همان دلیل پیش‌گفته، قضات در بیان نظر و تجربه‌هایی که ممکن است حاوی مطالب محرمانه مرتبط با پرونده‌های قضایی باشد، با احتیاط بیشتر و با ملاحظه چارچوب‌های سازمانی - اداری سخن گفتند. از دیگر مواردی که باید به‌عنوان محدودیت‌های پژوهش صورت گرفته به آن اشاره کرد، مرتبط با ویژگی‌های خاص شرکت‌کنندگان است. به دلیل آنکه از یک سو شرکت‌کنندگان آزادانه به بیان نظرات خود پردازند و ازسوی دیگر نگرانی از حیث عواقب احتمالی برخی نظرات خود نداشته باشند، امکان درج اطلاعات دقیق‌تر از شرکت‌کننده که بیانگر هویت وی باشد، وجود نداشته است. در نتیجه این پژوهش صرفاً به ارائه شمایی کلی از شرکت‌کنندگان پرداخته است.

منابع و مآخذ

۱. آقایی جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۰). حقوق کیفری عمومی (براساس لایحه مجازات اسلامی)، جلد دوم، تهران، جنگل جاودانه.
۲. ازکیا، کیهان، رشید احمدرش و کامبیز پارتازیان (۱۳۹۱). روش‌های تحقیق کیفی از نظریه تا عمل، جلد اول، تهران، نشر کیهان.
۳. اسدی، لادن (۱۳۹۶). «آسیب‌شناسی اجرای مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق ایران»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۴. پاول، رونالد. آر. (۱۳۷۹). روش‌های اساسی پژوهش برای کتابداران، ترجمه نجلا حریری، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.
۵. پورقهرمانی، بابک و ایرج نگهدار (۱۳۹۷). «ارزیابی رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید (مطالعه موردی محاکم کیفری استان کردستان)»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۸، ش ۲.
۶. پورمحمی‌آبادی، حسین، داریوش بوستانی و سعید قماش (۱۳۹۷). «سیطره حبس‌گرایی و رؤیای حبس‌زدایی در سیاست کیفری ایران (مطالعه موردی حوزه قضایی شهر کرمان)»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال نهم، ش ۱.
۷. پولادمست سرابی‌نژاد، سعیده (۱۳۹۶). «خدمات عمومی رایگان در حقوق کیفری ایران»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
۸. توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی، چاپ چهارم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۹. شاطری پور اصفهانی، شهید (۱۳۹۷). مجازات حبس و امکان حکم به جایگزین‌های حبس در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۱۰. شاکری، ابوالحسن و سیدمحمود حیدری (۱۳۹۶). «تقابل مجازات جایگزین حبس با قانون وصول در حقوق ایران»، مجله مطالعات حقوقی، دوره ۹، ش ۳.
۱۱. صانعی، سیدحسن (۱۳۸۸). فنون تحقیق: پرسشنامه، تهران، انتشارات اندیشمند.
۱۲. عباس‌زاده، محمد (۱۳۹۱). «تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی»، جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۴۵.
۱۳. عطرزاده، منصوره (۱۳۹۴). «مجازات خدمات عمومی رایگان (جایگزین حبس) در حقوق کیفری ایران»،

- پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران.
۱۴. قربانی، مهدخت (۱۳۹۳). «کاربرد گروه‌های کانونی در پژوهش»، کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۷۴.
۱۵. کرم‌اللهی، نعمت‌الله و محمد آقاسی (۱۳۹۱). «بررسی گرایش دختران دانشجو به حجاب و بدحجابی»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره اول، ش ۲.
۱۶. کرمی، آلاله (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی خدمات عام‌المنفعه به‌عنوان مجازات جایگزین حبس در حقوق ایران و فرانسه»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.
۱۷. محمدیان پهنوار، یوسف (۱۳۹۶). «تحلیل کیف‌شناختی خدمات عمومی رایگان در نظام حقوقی ایران»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۸. مقصودی مال‌امیری، عبدالکریم (۱۳۹۳). «چالش‌های مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت.
۱۹. منصورآبادی، عباس، جواد یآوری، مهدی شیدائیان و عباس رحیمی‌نژاد (۱۳۹۶). «الگوهای تصمیم‌گیری قضایی در آمریکا و ایران»، پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، ش ۱۸.
۲۰. میرحسینی، زهرا و مهسا لاریجانی (۱۳۹۷). «شناسایی زمینه‌های طراحی مدل بازپذیری اجتماعی موفق زنان مجرم؛ تبیینی داده‌بنیاد»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۶، ش ۱.
۲۱. ناظرزاده کرمانی، فرناز و زینب امامی غفاری (۱۳۹۳). «بررسی رویه و نگرش قضات دادگاه‌های اطفال تهران به جایگزین‌های مجازات حبس»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۶۵.
22. Barbour, Rosaline S. and David L. Morgan (2017). *A New Era in Focus Group Research*, London, Palgrave Macmillan UK.
23. Breen, Rosanna L. (2007). "A Practical Guide to Focus-group Research", *Journal of Geography in Higher Education*, Vol. 30, Issue 3.
24. Hegde, Dinesh S. (2015). *Essays on Research Methodology*, Springer India.
25. Parker, Andrew and Jonathan Tritter (2007). "Focus Group Method and Methodology: Current Practice and Recent Debate", *International Journal of Research and Method in Education*, Vol. 29.